

مسیحیت مخصوصاً پروتستانسیسم را گسترش دهند، دوم این که آموزه‌های واحدی را گسترش دهند که تضاد میان ادیان دیگر از جمله اسلام با مسیحیت کمتر شود و آموزه‌های خودشان را در قالب ادیان دیگر پرورش دهند، سوم این که فرقه‌های دیگری را که همسو هستند، در جوامع دیگر گسترش دهند. در آنجا تصمیم‌گیری شده و همه این تصمیم‌ها اجرا شده است.

همایشی برگزار شد که به «پارلمان جهانی ادیان» معروف شد که از همان روز ۱۱ سپتامبر کلید خورد و کمتر از ۲۰ روز ادامه داشت.

جالب است که روز ۱۱ سپتامبر هم بوده است!

دقیقا چون روزی که کریستف کلمب به آمریکا رسید، ۱۱ اکتوبر ۲۰۰۱ء و ماجرای ۲۰۰۱ هم به همین دلیل، آن تاریخ را به انتخاب شد. در این مدت، جلسات مخفی برای سیاست‌گذاری ادیان در سطح جهان شد. بهائیت ذیل این جریان تعریف می‌شود. در همان زمان بودیم جدیداً معرفی کردند. قرار شد در ایران برای سیاست‌گذاری

شود و دستکاری در آنها در دستور کار قرار گرفت. شما می‌توانید دیدن جدید ایجاد کنید، می‌توانید اصلاح ترتیب هم بکنید. اگر مسلمانان، مسیحی نمی‌شود ابراد دارند، اسلام را به انگاره‌هایی که خودمان می‌خواهیم تغییر می‌دهیم یا این‌که قرفه جدیدی که وابسته به خودمان است و جامعه روح می‌دهیم. در آنجا فردی به نام هنری حساب که مسیونر صهیون مسیحی است و ۵۲ سال در منطقه شام فعالیت کرد یکی از نخستین نظریه پردازان صهیون مسیحی است و با بهائیان آشنا بود، نامه و گزارش از وضعیت آنان در منطقه اعلا برای همایش می‌فرستد و کشیش دیگری آن را قرائت می‌کند. برای نخستین بار کانون‌های قدرت و رسانه‌ها شروع می‌کنند

به صحبت درباره نهائیت، این فرد که بیشتر صهیونیست است مسیحی، چون خیلی از یهودستان‌ها بیشتر صهیونیست هستند تا مسیحی، چرا که آن اصل‌ان‌زائیکه که از آن صحبت کردیم قبلاً در مسیحیت تست شده بود، به هر حال همین هر چه حساب بداد در مقاله‌ای از موسسه هبأت‌های تبشیری ما می‌بینی هانی‌توانند در جوامع اسلامی کار چندانی نکنند؛ برای مسلمانان می‌گویند چون که صدام‌نود هم پیش ماست، شما می‌گویید عیسی مسیح؛ ما خودمان بیشتر و بهتر به حضرت مسیح (ع) اعتقاد و علاقه داریم اما معتقدیم بعد از او پیامبری هم وجود داشته است. به گفته وی هبأت‌های تبشیری نه در جوامع سنی و نه در جوامع شیعی، موفقیتی به دست نیاوردند. تا تأکید او این بود که سرمایه‌گذاری روی نهائیت جواب می‌دهد، چرا که نهائیت به یقین وجودی، یک آن جدید رو کرده است و چون از جامعه خود مسلمانان آمده است و می‌گوید من هم پیامبر شما را قبول دارم، آن قدر حساسیت برانگیز نیست، البته این توضیحات از من است، او این قدر شرح نمی‌دهد. آن هابیش سال ۱۹۸۲ بسیار مهم است. در آن سال در هند حکومت اسلامی مستقر بود، همین جریان، بودیسم را با روایت غریبی در هند گسترش و تقابل اسلامی و بدوایی و مسلمان را در آنجا آفرینش دادند تا با تعصیف جامعه و از بین بردن آن، بودیسم خودشان نه بودیسم هزاره‌ها قبل را جاگیرکن کردند و اتفاقاً برای مقابله با جریان‌های دیگر، همین همان بودیسم را در غرب هم تبلیغ می‌کنند. اینچنین است که هند اسلامی به مرور زمان از پیکره جهان اسلام جدا می‌شود. همان کار را با برگ نهائیت در ایران انجام دادند. یکی از مهم‌ترین پیشنهادهای پارلمانی ادیان که اغلب مسلمانان پورستان بودند، این بود که مسیحیت را در جهان غلبت دهند، منتها این پیشنهاد برای همه جهان عملی نبود. لذا چند کار را پیگیری کردند، اول این‌که تا جایی که می‌شود، هبأت‌های تبشیری

نقد سوم و آخر هم این است که اگر قرار است شما درباره پدیده‌ای که فرع است و اصل نیست، کار کنید، این سؤال پیش می‌آید که چرا با جریان اصلی مبارزه نکردید؟ ممکن است پاسخ این باشد که فهم این موضوع وجود نداشته یا این که قدرت چنین مبارزه‌ای نداشتند. هنوز من متوجه نشده‌ام که انجمن حجتیه چرا در زمان حکومت پهلوی مبارزای با این رژیم نکرده است؟ البته این که می‌گویم متوجه نشدم باید این را هم اضافه کنم که وقتی روی اندیشه سیاسی مرحوم حبیبی کار می‌کردم، متوجه شدم ایدئولوژی سیاسی او نوعی محافظه‌کاری سیاسی بوده و با استقرار حکومت وقت مشکلی نداشته است.

چیزهای دیگری هم به انجمن نسبت داده شده است که تفکرشان این بوده که ظلم بیشتر شود تا امام زمان ظهور کند، من چنین چیزی ندیده‌ام ولی اندیشه سیاسی مرحوم حبیبی را اندیشه انقلابی و اصلاح‌گانه ندیدم.

وقتی با ریشه مبارزه نمی‌کنی و مشغول شد و برگ می‌شوی، تازه ذیل ظلمات همان حکومت، مشخص است نتیجه خاصی به‌دست نخواهد آمد. نتیجه مبارزه‌شان این می‌شد که با بوده بهایی دیگر بر مشغول بحث‌های عقیدتی و کلامی می‌شدند، در حالی که بهائیت دینی نیست که بخواد کلامی داشته باشد، به هیچ چیزی به عنوان یک گزاره ثابت و انیشتیغاری اعتقادی ندارد.

**[؟]** به نظر شما پروژه جهانی کردن این سازمان و طرفدار پیدا کردن در اقصی نقاط جهان شکست خورده است یا نه؟

فکر می‌کم سؤال اصلی همین است. نکته بسیار مهمی که مغفول مانده و یکی از خطاهای شاخشی ما درباره پنهانیت است، پدیده حکومت واحد جهانی و سیاست‌های مرتبط با آن است که اکنون‌های اصلی قدرت از قرن ۱۹ به دنبال آن بوده‌اند. اینجاست‌با نظر راه پارلمان جهانی ادیان در قرن ۱۹۲۰ که گردمانه که در شیکاگو برگزار شد. در حقیقت، اینجاست که یونین‌های جهانی را در دست‌های یونین‌های بزرگ برای می‌رقار می‌بینیم. جهانی که پشت آن فراماسونری، تئوسوفیست‌ها و مسیونرهای مذهبی هستند. نکته مهم این است که باید فراتر از پنهانیت به ماجرا توجه کنیم. در حقیقت در این برهه زمانی کسانی که به دنبال حکومت واحد جهانی اند به دنبال سیاست‌گذاری‌هایی برای تحقق آن هستند. یکی از مؤلفه‌های آن، زبان واحد است که در آن زبان، زبان اسپرانتو برای زبان واحد جهانی انتخاب شد که مؤلف آن، دین واحد جهانی است. به‌سیستم ۱۹۲۶ مصادف با چهاردهمین سالگرد وارد شدن کریستف کلمب به آمریکا شمالی، همایشی برای نشان دادن دستاوردهای آمریکا برگزار شد و پشت آن اکنون‌های قدرتی بودند که بعد از پشت سر گذاشتن جنگ‌های داخلی آمریکا به دنبال تعمیم تجربه خودشان به سطح جهان بودند. یعنی دیدند حدود ۵ کشور کار هم جمع شدند و آمریکا را تشکیل دادند، این تجربه قابل تعمیم بود. چند کار برای آن انجام می‌شد. مشکلات شناسایی و زمینه‌سازی‌های باغ‌آغاز می‌شد. چندین نفر از تجار جهان را به همایش بزرگ و تاریخی دعوت کردند. در دل آن همایش بزرگ،

لی قلم اعتبار خرید کتاب از سی و چهارمین  
کتاب تهران به مبلغ ۵۳ میلیارد و ۸۹۲  
ت کردند.

در این دوره از نمایشگاه کتاب تهران، به مناسبت سی و چهارمین سالگرد تأسیس کتابخانه ملی و ادبیات ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با عضویت اهل قلم از قبیل مؤلف،

بیش از ۹۰۰۰ نفر  
نمایشگاه بین‌المللی  
میلیون ریال راه

**اعتبار خرید کتاب  
برای ۹۰۰۰ اهل قلم**

## ده کتاب سال تاکید شد:

فریاد می‌زد: علمای اسلام، اسلام از دست رفت، منظورش دقیقاً همین بود که کانون‌های قدرت جهانی در حال بازنامه‌ریزی و در ایران هم مشغول کار کردن در موضوع تشیع هستند تا آن را زیر بنی برند. به خود او می‌گفت، آقای شاه اگر تو بیایی این‌ور و نه تو کجای نداری، اگر به سمت ایامی دلیلی ندارد ترستی، نیست که قدرت می‌ماند، اصلاً مخاطب امام در آغاز نهمت، شاید نیست بلکه دارد این شبکه را می‌بینید. می‌گوید جریان آمریکایی و یهودی دارد تلاش‌هایی می‌کند و عمال آنها به‌پایان هستند. با این عمال باید مقابله کرد اما در دل پدیده کلان تاریخی کانون‌های قدرت جهانی، از وقتی امام (ره) تبعید می‌شود و بدین‌امم دو مبارزه با امام آغاز می‌شود، دیگر سیاست فرق می‌کند. می‌بینیم کدام که ظاهراً موضع جهانی، موضوع اصلی است نیست، شناختن از بهاییت از جریان انجمن حجتیه بیشتر است.

رفتار او برخورد جدی با اهداف ما خواهد داشت، آن رفتار را اصلاح می‌کنیم. این که می‌گویند فلان فرد جاسوس است. تصویر این است که از صبح تا شب همه زندگی این فرد مثل یک ماشین برنامه‌ریزی شده است؛ در صورتی که چنین نیست و آن فرد فقط رفتار است در جایی که کارای کند. در چنین است که انجمن حجتیه همه راه‌های شان برنامه‌ریزی شده باشد. آنها خود را می‌کردند اما در یک موقعیت خاص، رفتار آنها هادیت یا ایدئولوژی انجمن دستکاری می‌شده است. نقد ما هم اتفاق همان جاست. مقایسه رفتار انجمن با رفتار امام خمینی (ره) در برابر بهائیت در این زمینه مهم است. موضوع اهمیت امروزه با بهائیت در سال ۴۰ که امام امام از آغاز کرد در بحث بهائیه با ما بود ولی چند تفاوت داشت. اولاً ما لویه بهائیت را بهائیت را مستقل از یهود نمی‌دید. می‌گفت ثابت است و دیگران یهود مخفی‌هایی هستند که لباس بهائیت پوشیده‌اند یعنی بهائیت را ذیل یک کانون قدرت بزرگتر و به عنوان عامل آنها می‌دید و حتی واژه عمال را دقیقاً خاص و برای بهاییان به کار می‌برد. می‌گفت عمال آمریکا، اسرائیل، عمال یهود، این عامل یعنی بهایی‌ها. اما رفتار آنها انجمن می‌بینید که یهودی در یهود نیست؟ مگر می‌شود بهائیت را از کانون‌های یهودی جدا کرد. در قریه تمام سران بهائیت در مدیریت و اقتصاد، همگی تبار یهودی دارند. هیچ کدام تبار شیعی یا مثل مسیحی ندارند. آنها برگزیده به قول یهودی‌ها، نژاد برتر هستند در ادیان مختلف نفوذ کرده‌اند و نفوذشان در یهود خیلی بیشتر از ادیان مجوس‌ست. خیلی ملموس تر هم هست. حبيب لوی می‌گفت چند هزار یهودی، بهایی شده‌اند. در یک زمان بسیار کم هم این اتفاق افتاده است. نکته دیگر این است که انجمن دیگران، همیشه می‌گفتند ریشه بهائیت انگلیسی است، در صورتی که این هم منابع وجود دارد که اساساً بهائیت یک سازمان سیاسی آمریکایی است. جریانات بهائیه ما نادرده می‌گردند ولی دو سه منبع مربوط به جریانات بهائیه با انگلیس را مطرح می‌کنند؟ اما همان سال‌های ۲۰ تا ۳۰ از اصطلاح حزب بهائیت و حزب اسرائیلی استفاده می‌کند. نکته‌ای وجود دارد. آنجایی که امام در اوایل نهضت

و صنعتی، حوزه استارت‌آپی، حوزه رسانه و فرهنگ، حتی نفوذ در حکومت برنامه‌ریزی کرده‌اند. این‌ها مثال کسانی که بیدگ‌بختی‌های برخی استارت‌آپی‌های معروف فعال در حوزه علمی را جمع‌آوری می‌کنند، به‌نهایت هستند. اتفاقاً چون استادان‌شان آمریکایی‌ها هستند، شیوه‌های مدیریت را آموخته‌اند و در حال اجرای آنها هستند و از نظر مالی هم مشکل ندارند. البته، ایدیه، سرمایه‌های اولیه و کمک آنها را دارند و با گسترش جامعه مدنی که از دهه ۷۰ شاهدش بودیم، قدرت‌شان افزایش پیدا کرده است. فرض کنیم به میزانی از قدرت حکومت کاسته می‌شود، به همان میزان آن طرف یعنی طرف غربی هم می‌شود. در این شرایط ممکن است بگوییم ما NGO را به اندازه‌ای که فلان وزارتخانه هم متأثر از ما باشد حتی بعضاً مدیران را هم ما تأمین می‌کنیم. این اتفاقات افتاده است لذا به‌نهایت متوقف نشده و فعالیت‌هایش جلو رفته است. یکی از سازمان‌هایی که به دنبال فروپاشی است، همین به‌نهایت بوده و برای همین است که شش‌دهیم مسئولان بارها گفته‌اند در اتفاقات ۱۴۰۱ در میان دستگیرشدگان نیروهای به‌نهایت هم بودند و شدیداً فعالیت می‌کردند. به‌خصوص این‌که به‌نهایت مد و چند سال است مدعی‌اند در بحث حقوق زنان را پیگیری می‌کنیم و چون جنبش ۱۴۰۱ به یکی از مسائلش حقوق زنان بود، به صورت جدی فعالیت داشتند.

### نکته

## نفوذ بهائیان جدی است

متناسب با شرایط قدامبرداشتن، یکی از ویژگی‌های بهانی‌هاست. سازمان بهانیت حتی رهبران آمریکایی - یهودی آن ذیل جریان سیاست واحد جهانی تعریف می‌شوند. بهانیت ایران هم تابعی از بهانیت آمریکا و اسرائیل است. مرکز بهانیت در حیفا در فلسطین اشغالی است اما خیلی از کنون‌های قدرت که در اواخر قرن نوزدهم در آمریکا شکل گرفتند، هنوز جای پای خود را در آمریکا حفظ کرده‌اند. دو پایگاه اصلی بهانیت در آمریکا و فلسطین اشغالی است. تصمیمات در آنجا گرفته می‌شود، نه در ایران. محفل که در ایران هست، مجری آن سیاست‌هاست و نهایتاً از وضعیت و محل گزارش می‌دهد. بهانیت در چهار دهه بعد از انقلاب هم جلو رفته و وضعیت آن با دهه ۶۰ قابل مقایسه نیست. بهانیت همیشه نقشه‌های چندساله گذاشته‌اند؛ گاهی چهار ساله، گاهی شش ساله، گاهی پنج ساله یا ده ساله از سال ۱۹۹۶ یک برنامه برنامه‌ریزی کرده‌اند. در حوزه‌های مختلفی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، حوزه‌های اقتصادی

## رویداد

## نمایشگاه دوست داشتنی من

رویداد ایده‌پردازی جمعی «نمایشگاه دوست‌داشتنی‌من» با هدف جمع‌بندی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای حل مسائل نمایشگاه کتاب و دریافت ایده برای آینده آن راه‌اندازی شد. این رویداد می‌تواند منتج به کمک‌آوری بانک اطلاعاتی مسائل و ایده‌های بهبود نمایشگاه در راستای سیاست تئوریکانه و عملی خانه کتاب و ادبیات ایران شود و کارکردی ترویجی در معرفی ظرفیت عظیم نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران داشته باشد. رویداد ایده‌پردازی جمعی «نمایشگاه دوست‌داشتنی‌من» همزمان با آغاز سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۲۰ اردیبهشت آغاز و تا ۱۵ خردادماه ۱۴۰۴ ادامه خواهد داشت.

بر اساس این فراخوان، پس از پایان نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، فرایند پالایش ایده‌های ارسالی آغاز می‌شود و علاقه‌مندان برای ثبت ایده و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به سایت [Book-lab.ketab.ir](http://Book-lab.ketab.ir) مراجعه کنند.

**عرضه فهرستگان نسخ خطی  
در نمایشگاه کتاب**

معاون پژوهش و منابع دیجیتال سازمان اسناد و کتابخانه ملی از عرضه مجموعه فهرستگان نسخ خطی (فخدا) در سی و چهارمین دوره نمایشگاه کتاب تهران خبر داد.

فاطمه صدر، معاون پژوهش و منابع دیجیتال سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران گفت: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با ۵۲ عنوان کتاب در ۱۱۹ مجلد کتاب تخصصی این نمایشگاه حضور دارد.

صدر با اشاره به عناوین کتاب‌های تازه منتشر شده بیان کرد: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی - ۶۶ جلد، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی - جلد ۷۷، شاعر مشعل (مصاحبه تاریخ شفاهی با مظفر مصفا)، سندگان، مجموعه اول پاییز ۱۴۰۱، جنبه‌های زیباشاگردی در هیچ‌بلاغه، سیاست‌های واسطی قانونی منابع اطلاعاتی در ایران و کشورهای منتخب جهان، مرابخش مادر، یادمانده‌هایی از حزب توده، قصه راستگو: مصاحبه تاریخ شفاهی، عمارت معمور: خاطرات منوچهر بهنام، رده بندی دهمی: دهی تاریخ ایران، مشاهیر و وفود در ایران: غلام‌زور برجری و مشاهیر وفود در ایران: شیخ جعفر شوشتری از جمله آثار تازه منتشر شده از سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است.

**پیاده روی حافظ شیرازی  
در نمایشگاه کتاب**

یکی از جذابیت‌های امسال نمایشگاه است، پیاده‌روی حافه شیرازی در محله کتاب، هرچا می‌رود نگاه‌ها را به سمت خودش جلب می‌کند. برخی از او می‌خواهند به یک بیت شعر شیرین پارسی مهمان‌شان کنند و برخی هم با او دربراهه خریدن کتاب‌های خوب و جذاب مشورت می‌کنند. کیاباش زبین در ارتباط با هدف از بازی دراین نقش گفت: سعی کردیم با این کارمان بگوییم که مشاهیر ایرانی فروارش نشده‌اند و با آثارشان زنده هستند. هشت قرن از زمان زندگی حافه می‌گذرد ولی مردم همچنان از اندیشه‌های سازنده این بزرگان بهره‌مند می‌شوند.

## قَاب

